



تجربید اصل کلام از متکلم از روش‌های مطالعات قرآنی خاورشناسان است

برخی مستشرقان قرآن را متنی تاریخ‌مند می‌دادند که براساس آن معتقدند که این متن در دوره‌ای تاریخی ایجاد شده و برای شناخت تفسیر آن باید با دید جدایی از متکلم حکیم، آن متن را تحمل کرد و خود متن را به صورت مستقل واکاوی می‌کنند و به درون متن می‌پردازند.

برخی مستشرقان قرآن را متنی تاریخ‌مند می‌دادند که براساس آن معتقدند که این متن در دوره‌ای تاریخی ایجاد شده و برای شناخت تفسیر آن باید با دید جدایی از متکلم حکیم، آن متن را تحمل کرد و خود متن را به صورت مستقل واکاوی می‌کنند و به درون متن می‌پردازند.

حجت الاسلام و المسلمین سید رضا مودب، رئیس انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه، در گفت و گو با خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، به نکاتی در رابطه با روش‌شناسی مطالعات مستشرقین پرداخت و در این رابطه عنوان کرد: مستشرقان حدود دو قرن بلکه بیشتر است که مطالعات خود را متوجه منابع اسلامی از جمله قرآن کرده‌اند و در این باره سعی کرده‌اند با همان رویکرد و نگاهی که به کتاب مقدس دارند، به مطالعه قرآن نیز بپردازند.

وی افزود: مستشرقان سعی کردند در شناخت قرآن با همان ابزار تاریخی و حسی و تجربی به مطالعه قرآن بپردازند و به همین جهت در سیر مطالعات مستشرقین با رویکردهای متفاوتی مواجه هستیم که در این بین برخی نهایتاً به انکار اسلام و انکار وجود پیامبر(ص) نیز منجر شده است؛ کسانی که قرآن را به عنوان منبع تاریخی پرداخته‌اند، به افراد شکاک و تجدد طلب در بین مستشرقان معروف شده‌اند؛ و عده‌ای هم البته با نگاه منصفانه به مطالعه قرآن پرداختند.

رئیس انجمن قرآن پژوهی حوزه علمیه گفت: برخی از مستشرقان نیز منابع شناخت قرآن را مانند روایات، تاریخ، احوال صحابه و کتاب‌هایی که خود مسلمانان نوشته‌اند، مورد تحلیل قرار داده‌اند و در روش‌شناسی از منابع دینی مسلمانان بهره بردند و عمدتاً مطالعات این‌ها در مورد جایگاه قرآن، چگونگی تنظیم قرآن، چگونگی تدوین قرآن و چگونگی انزال قرآن از دوره‌های پیشین تا به دوره معاصر بوده است.

این مدرس دانشگاه قم در ادامه گفت: این مطالعات به حمدالله برای مسلمانان و به ویژه شیعیان هم پرسش‌هایی را مطرح کرده و سبب شده که که مسلمانان با دقت و اتقان بیشتری مطالعاتی را در خصوص قرآن و تدوین و جمع آن بپردازند و فرصتی را برای محققان و پژوهشگران اسلامی پدید آورده تا مطالعات مستشرقان را رصد کنند و پس از آن در مواردی که نیازمند به نقد است و در مواردی که نیازمند به تکمیل است، به تدوین کتاب‌ها، مقاله‌ها، مجموعه‌ها و همایش‌های فراوانی در این جهت بشود.

مودب گفت: باید گفت که مستشرقان در شناخت قرآن مانند دیگر متون مذهبی خودشان روشی را اتخاذ کرده‌اند که در شناخت کتاب مقدسشان داشتند؛ یعنی با همان روش هرمنوتیک این مطالب را مورد ارزیابی قرار داده‌اند، مگر گروه اندکی از آن‌ها که برای شناخت قرآن از روش‌های خود مسلمانان نیز بهره گرفته‌اند و تا حدودی مطالعاتشان دقیق‌تر شده است، اما عمده مستشرقان که اعتقادی به وحی، رسالت پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ص) ندارند، طبیعتاً بیانات پیامبر و ائمه معصومین(ص) را قدسی ندانسته و در استفاده‌های تاریخی به عنوان حداکثر يك شاهد تاریخی بهره گرفته‌اند.

وی افزود: خود این روش طبیعتاً آن‌ها را به نتایج صحیح و سودمند و درستی نرسانده؛ در حالی که ما مسلمانان برای شناخت قرآن و برای شناخت تاریخ قرآن از منابع معتبر دینی خودمان کمک می‌گیریم و در واقع اختلاف روش مستشرقان مبتنی بر اختلاف مبانی است که در این سطح وجود دارد. مبانی ما مسلمانان در شناخت قرآن و مطالعات قرآنی با روش‌های مستشرقان متفاوت است. ما از کلام امام معصوم(ع)، صحابه، تابعین و تاریخ در منابع خودمان کمک می‌گیریم، اما روش خاورشناسان بیشتر پدیدارشناسانه است و نگاه آن‌ها به قرآن به عنوان يك واقعه تاریخی است.

مودب افزود: مستشرقان قرآن را متنی تاریخی محض می‌دانند و برخی از آن‌ها قرآن را به عنوان کتاب مقدس و يك متن تاریخ‌مند می‌دادند که براساس آن، مستشرقان معتقدند که این متن در واقع در يك دوره‌ای تاریخی ایجاد شده و برای شناخت و تفسیر آن باید با دید جدایی از متکلم حکیم، آن متن را تحمل کرد و بر این اساس، متن را به صورت مستقل واکاوی می‌کنند و به درون متن می‌پردازند که البته چنین مطالعه‌ای که ما درون متن را تحقیق کنیم و بشناسیم، مورد تایید مسلمانان نیز هست؛ هرچند این مقدار کافی نیست.

این پژوهشگر عرصه قرآن تاکید کرد: ما معتقدیم آن‌چنان که در خود قرآن آمده است: «... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...؛ و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی؛(نحل/44)، محققان، مفسران و قرآن‌پژوهان اسلامی معتقدند یکی از راه‌های شناخت قرآن در واقع از طریق پیامبر و معصومین(ع) می‌باشد که خداوند این رسالت بزرگ را به آنان داده است.

مودب گفت: در همین جهت ما معتقدیم که قرآن ظاهر و باطن دارد. باطنش را ممکن است از شواهد تاریخی به دست بیاوریم، اما باطن قرآن که مورد اراده متکلم حکیم بوده، تنها از راه مبین و مفسر واقعی قرآن به دست می‌آید، در حالی که این چنین روشی بین مستشرقان وجود ندارد. آن‌ها اصولاً اعتقادی به معنایی بودن متون قرآنی ندارد و آن را یک متن تاریخی می‌دانند و برای شناخت مراد او هم به متکلم و مفسری که از طرف خداوند همراه متن است هم اغلب توجهی ندارند.

مودب در پاسخ به این پرسش که آیا از جانب متفکران غربی اثری هم در باب تفسیر قرآن چاپ شده است یا خیر؟ گفت: من اطلاع ندارم که آن‌ها تفسیر نوشته باشند، چون آن‌ها اصلاً اعتقادی به این تفسیرگونه بودن ندارند و معتقدند که قرآن یک متن تاریخی است و هر کسی می‌تواند مطالعه بفرماید، لکن به صورت پراکنده در مورد آیات قرآن صحبت کرده‌اند و ممکن است درباره برخی از آیات که در مورد مسئله اجتماعی، حکومت، مسائل جامعه‌شناسی و اقتصاد است، مطالعات موردی داشته باشند.

مودب در پایان گفت: عمده مباحثی که به نظر من مطرح کرده‌اند، قبل از اینکه وارد تفسیر و بیان معنی آیات بشوند، عمدتاً مطالعاتشان در مورد جایگاه کتاب، چگونگی تدوین کتاب، چگونگی رسیدن مصحف‌ها و نسخ و بیشتر مباحث حوزه علوم قرآن و حوزه مطالعات حول قرآن است تا اینکه مطالعات درون قرآن باشد.